

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه سوم ۹۷/۰۷/۰۴

موضوع: ضرورت توانمند سازی علمی در مسیر پاسخگوئی به شبهات (۲) – توانمند سازی تفسیری

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

عرض کردیم که روی سه محوری که اهل سنت مفصل کار کردند، بحث تفسیر، بحث تاریخ و بحث حدیث است. ما در این سه محور معمولا اگر بخواهیم کار کنیم چند نکته را باید در نظر داشته باشیم.

نکته اول: شناختن کتابهای معتبر تفسیری اهل سنت است که اینها چه کتابهایی را در تفسیر، معتبر می‌دانند که اگر ما خواستیم استدلال کنیم کتابهای تفسیری معتبرشان را کاملا بشناسیم.

نکته دوم: در تاریخ، چه تاریخی را معتبر می‌دانند و قبول دارند مخصوصا سلفی‌ها.

نکته سوم: کتابهای حدیثی است، در حدیث اینها به چه کتابهایی عقیده دارند و چه کتابهایی را عقیده ندارند که در آنجا دنیایی است. اگر ما در تفسیر ده تا پانزده درصد با اینها مواجه باشیم و در تاریخ هم ده تا پانزده درصد با اینها مواجه باشیم، هفتاد درصد مشکل ما در کتابهای روایی اینها است.

کتابهای روایی‌شان را هم ان شاء الله مفصل طبقه بندی خواهیم کرد. این آقایان غیر از صحاح سته تقریبا بیش از چهل کتاب دارند که اصلا واژه‌ای «صحیح» در عنوان کتاب آمده است، صحیح ابن خزیمه، صحیح ابن حبان و... این از ضروریات است که ما در حوزه پاسخگویی به شبهات اهل سنت و یا در حوزه‌ی بحث و مناظره با اهل سنت باید خوب کار کنیم.

در رابطه با تفسیر ما این جا اینگونه بحث می کنیم: اولاً تفسیر در اصطلاح چیست؟ به طور کلی علم تفسیر از کجا شروع شده است؟ این ها را ما مفصل آوردیم و این که علمای تفسیرشان چه کسانی هستند؟ سیوطی در کتاب «الاتقان» تعبیری دارد. کتاب «الاتقان» کتاب درسی دانشگاه های کشورهای عربی در مقطع ارشد و یا دکترا است. بر خلاف «الدر المنثور» که خیلی مورد توجه شان نیست.

سیوطی در این کتاب یک تعبیری دارد می گوید:

«وقد اشتهر بالتفسير من الصحابة عشرة»

الإتقان في علوم القرآن، اسم المؤلف: جلال الدين عبد الرحمن السيوطي، دار النشر: دار الفكر - لبنان - ١٤١٦هـ - ١٩٩٦م، الطبعة: الأولى، تحقيق: سعيد المنذوب، ج ٤، ص ٤٩٣

این را عزیزان خوب دقت کنند، می گوید: ده نفر از صحابه مشهور بودند که مفسر هستند؛ یعنی از ۱۲۰ هزار صحابه، ده نفرشان تفسیر بلد بودند، این هم نکته ظریفی است!

«وهم الخلفاء الاربعة»

خلفاء اربعة عالم به تفسیر بودند

«ابن مسعود»، «ابن عباس»، «ابی بن کعب»، «زید بن ثابت»، «ابو موسی اشعری»، «عبدالله بن زبیر»؛ این ها هم از آن ده نفر بودند بعد می گوید:

« أما الخلفاء فاکثر من روی عنه منهم هو الامام علی بن ابیطالب والرواية عن الثلاثة الباقيين قليلة جداً »

حالا سیوطی این اندازه انصاف دارد خوب است بد نیست. چرا که «ابن تیمیه» می آید می گوید اصلاً علی ابن ابیطالب تفسیر بلد نبود! قرآن را بلد نبود! علی از اول تا آخر قرآن را یاد نگرفته بود! ولی عثمان هر شب در یک رکعت نماز تمام قرآن را قرائت می کرد!!

«وأما علي فروى عنه الكثير وقد روى معمر عن وهب بن عبد الله عن أبي الطفيل قال شهدت عليا يخطب وهو يقول (سلوني فوالله لا تسألوني عن شيء إلا أخبرتكم وسلوني عن كتاب الله فوالله ما من آية إلا وأنا أعلم أبليل نزلت أم بنهار)»

امیرالمؤمنین می فرماید که من از تمام آیات خبر دارم که در چه زمانی نازل شده، شب، روز، آیا در دریا بوده یا در بیابان بوده است.

«إن القرآن أنزل على سبعة أحرف ما منها حرف إلا وله ظهر وبطن وإن علي بن أبي طالب عنده منه الظاهر والباطن»

در حقیقت، تفسیر ظاهر و باطن فقط در نزد علی ابن ابیطالب است یا از خود حضرت امیر دارد:

«والله ما نزلت آية إلا وقد علمت فيم أنزلت وأين أنزلت إن ربي وهب لي قلبا عقولا ولسانا سئولا»

البته آقایان اهل سنت این تعبیر «فوالله ما من آية إلا وأنا أعلم بليل نزلت أم بنهار» را زیاد دارند: مثلاً کتاب تفسیر صنعانی که جزء تفاسیر متقدمین است عبدالرزاق کسی است که یحیی بن معین درباره اش می گوید:

«لو ارتد عبدالرزاق عن دینه ما ترکنا حدیثه»

عبدالرزاق اگر مرتد هم بشود ما احادیث عبد الرزاق صنعانی را رها نمی کنیم.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ٧٤٨ هـ)، سير أعلام النبلاء، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، ١٤١٣هـ.

ایشان استاد بخاری است مفصل این قضیه را می آورد. قرطبی همین روایت را در جامع البیان آورده، عمدة القاری آورده، ابن عبدالبر آورده، سیوطی در الاتقان صفحه ۲۳۲۵ چاپ جدید عربستان این مطالب را مطرح می کند. ولی سیوطی در آخر حرفی می زند که من خیلی متأثر شدم. وی در صفحه بعدی دارد:

«أما ابن مسعود فروي عنه أكثر مما روي عن علي»

الإتقان في علوم القرآن، اسم المؤلف: جلال الدين عبد الرحمن السيوطي، دار النشر: دار الفكر - لبنان - ١٤١٦هـ - ١٩٩٦م ،
الطبعة: الأولى، تحقيق: سعيد المندوب، ج ٤، ص ٤٩٣

ما می گوئیم آقای سیوطی تو راست می گویی، بر پدر دروغگو لعنت!

«وقد أخرج ابن جرير وغيره عنه أنه قال (والذي لا إله غيره ما نزلت آية من كتاب الله إلا وأنا أعلم...»

یعنی همان تعبیری که از حضرت امیر (سلام الله علیه) است برای «عبدالله مسعود» می آورد! و حال این که «ابن عباس» و «عبدالله مسعود» و دیگران می گویند ما هرچه از تفسیر داریم از محضر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داریم.

«حاکم حسکانی» در «شواهد التنزیل» از «عایشه» دارد که می گوید:

« علي أعلم أصحاب محمد بما أنزل على محمد صلى الله عليه وسلم »

الحاکم الحسکانی، عبید الله بن محمد الحنفی النیسابوری (ق ٥هـ)، شواهد التنزیل، ج ١، ص ٤٧، تحقیق: الشیخ محمد باقر المحمودی، ناشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي - مجمع إحياء الثقافة، الطبعة: الأولى، ١٤١١ - ١٩٩٠ م.

به صراحت می گوید علی علیه السلام اعلم الناس است، روایت صنعانی را ما بررسی کردیم تمام روایانش صحیح هستند.

«ابن عباس» می گوید:

«أعطي علي تسعة أعشار العلم و والله لقد شاركهم في العشر الباقي»

علی دارای نود درصد علم بود و به خدا قسم در آن ده درصد باقی مانده هم علی با دیگر اصحاب شریک است.

تهذیب الأسماء واللغات، اسم المؤلف: محي الدين بن شرف النووي الوفاة: ٦٧٦هـ ، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٦،

الطبعة: الأولى، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، ج ١، ص ٣١٧

«وإذا ثبت لنا الشيء الباقي عن علي لم نعدل إلى غيره»

اگر در یک موضوعی از علی ابن ابیطالب یک روایتی و یک حکمی رسیده بود سراغ دیگران نمی‌رفتیم.

پیغمبر فرمود:

«أعلم الناس بعدي علي بن أبي طالب»

سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد ، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الصالحي الشامي الوفاة: ٩٤٢هـ، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٤هـ، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلي محمد معوض ج ١١، ص ٢٩١

عزیزان دقت کنند «فیض القدير» شرح جامع صغير است. «مناوی»، جامع الصغير سیوطی را شرح کرده است از خود ابن

مسعود - که سیوطی او را اعلم از حضرت علی می دانست - نقل می‌کند:

«قسمت الحکمة عشرة أجزاء فأعطي علي تسعة أجزاء»

حکمت ده قسم است و نه قسم آن در اختیار علی ابن ابیطالب است

المناوي، محمد عبد الرؤوف بن علي بن زين العابدين (متوفى ١٠٣١هـ)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، ج ٣، ص

٦٠، تصحيح: صحيح أحمد عبد السلام، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٥ق.

حکمت:

(وَمَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا)

سوره بقره (٢): سوره ٢٦٩

دیگر صحابه یک جزء از ده جزء را دارند یعنی ده درصد علوم در نزد دیگر مردم است. تا آن جا که می‌گوید:

«وقد شهد له بالأعلمية الموافق والمخالف والمعادي والمخالف»

موافق علی و مخالف علی، دشمنان علی و همپیمانان علی همه بر اعلمیت امیرالمؤمنین شهادت داده‌اند.

کسی از معاویه از یک مسأله‌ای سوال کرد - که معاویه اشد اعداء علی ابیطالب است - معاویه گفت:

«سل علیا هو أعلم مني»

برو از علی سوال کن او از من اعلم است

«فقال : أريد جوابك»

گفت ای معاویه از تو می‌خواهم جواب بگیرم!

«قال: ويحك كرهت رجلا كان رسول الله يعزه بالعلم عزا وقد كان أكابر الصحب يعترفون له بذلك»

اکابر صحابه اعتراف داشتند علی ابن ابیطالب اعلم الناس است.

کسی از عمر مسأله‌ای را سوال کرد عمر گفت:

« ههنا علي فاسأله»

علی همین جا است از او سوال کن

گفت:

«أريد أسمع منك يا أمير المؤمنين»

می‌خواهم از تو سوال کنم ای امیرالمؤمنین

«قال : فلا أقام الله رجلك»

بلند شو پاهایت بشکند

اسم او را از دفتر بیت المال حذف کردند

المنائوي، محمد عبد الرؤوف بن علي بن زين العابدين (متوفى ۱۰۳۱هـ)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، ج ۳، ص ۶۱، تصحيح: صحيح أحمد عبد السلام، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الاولى، ۱۴۱۵ق.

در هر صورت ... من خواستم این حرف سیوطی را که آخر دارد زهرش را می‌ریزد و می‌گوید از عبدالله مسعود چنین و چنان است رد کرده باشم.

من بارها گفته‌ام می‌گویند مرحوم شیخ صدوق وصیت کرد من را در قم و در نجف دفن نکنید گفتند چرا؟ گفت چون کسی که در قم و در نجف دفن شود ما روایت داریم از قبر که بر می‌خیزد بدون حساب و کتاب یک سره بهشت می‌رود. گفتند: این که خیلی خوب است، گفت نه! من می‌خواهم قیامت بیایم و محکمه عدل علی را تماشا کنم بینم دشمنان علی و مخالفین علی در محکمه عدل علی الهی چه جوابی دارند، من می‌خواهم آن محکمه را تماشا کنم.

در «صحيح بخارى» است که اميرالمؤمنين می فرماید:

«أنا أول من يجتو بين يدي الرحمن ليخْصومة يوم القيامة»

اول کسی که محکمه عدل در قیامت برایش تشکیل می‌شود و مظلومه او مورد بررسی قرار می‌گیرد من علی ابن ابیطالب هستم

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا ج ۴ ص ۱۴۵۸

«يَجْتُو» دو زانو نشستن است. یعنی من هستم که می‌آیم در محکمه عدل الهی به عنوان شاکی می‌نشینم، در نامه‌ی «عثمان بن حنيف» هم است که حضرت فرمود:

«نعم الحكم الله، بلى كانت في ايدنا فدك من كل ما اظلمت السماء فشخت عليها نفوس قوم وسخت عنها نفوس آخرين»

خدا بهترین حکم کننده هاست. در زیر آسمان فقط ما یک فدکی داشتیم. یک عده حسادت کردند از دست ما گرفتند. یک عده هم بی تفاوتی از کنارش گذشتند و از ما دفاع نکردند.

المجلسي، محمد باقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۹، ص ۳۵۰، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

خیلی درد است! من وقتی می خوانم قلبم درد می آید.

پرسش:

آیا اگر کسی که گناهکار است بیاید در «قم» دفن شود، بدون حساب و کتاب وارد بهشت می شود؟

پاسخ:

(إِنَّ اللَّهَ يُغْفِرُ الذُّنُوبَ)

سوره زمر (۳۹): آیه ۵۳

(يُغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ)

سوره فتح (۴۸): آیه ۱۴

شما در کرم خدا شک دارید؟! آن بنده خدا گناه کرده شاید توبه کرده است. ما در روایات متعدد داریم روایت هم از شیعه است و هم از سنی. صحیح بخاری و مسلم هم دارند چه بسا بنده ای «يعمل عمل اهل المعاصي» در تمام عمر اهل معصیت بوده ولی خدای عالم آخر عمر به او توفیقی می دهد بر می گردد توبه می کند. افرادی هم هستند یک عمری عبادت می کنند ولی آخر عمر یک قضایایی پیش می آید برمی گردند اهل معصیت می شوند و وارد جهنم می شوند.

پرسش:

پس به خاطر توبه‌شان بخشیده می‌شوند و سرزمین اهمیت و خصوصیتی ندارد!

پاسخ:

در مورد «سرزمین» الی ما شاء الله روایت داریم. در رابطه با ورود به نجف داریم که یک شب خوابیدن در نجف چقدر پاداش دارد، در کربلا چقدر پاداش دارد، در مدینه یک شب خوابیدن چقدر پاداش دارد این را شیعه و سنی همه دارند. مکان‌ها هم شرافت دارد. همان طوری که زمان‌ها شرافت دارد مثلاً:

(لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ)

سوره قدر (۹۷): آیه ۳

در مورد مکان‌ها هم داریم چه بسا یک مکانی در نزد خدای عالم ارزش دارد در این هیچ شک و شبهه‌ای نیست ما نمی‌توانیم این‌ها را انکار کنیم.

خدا آیت الله شیخ محمد شاه آبادی استاذزاده حضرت امام را پیامرزد. ما هشت سال خدمت ایشان علاوه بر فقه و اصول، خارج فلسفه و عرفان هم خواندیم. ایشان برای عاقبت به خیر شدن مثال می‌زد می‌فرمود: مصداق عاقبت به خیری تجلی‌اش کربلا بود تعدادی با امام حسین تا دم در بهشت آمدند فاصله‌شان با بهشت ده تا دوازده ساعت بیشتر نبود ولی رها کردند و رفتند.

افرادی هم بودند تا دم در جهنم رفتند، یعنی یک قدم مانده بود داخل آتش بروند ولی برگشتند مصداقش افرادی مانند «حرّ بن یزید ریاحی» است. یعنی در حال پا نهادن به جهنم بود که برگشت! گناه «حرّ بن یزید ریاحی» که در برابر امام و حجت حق آن عبارت‌های زشتی را به کار برد و جلوی حضرت را گرفت و اصلاً علت عمده‌ای نزول اجباری حضرت در کربلا بود، سنگین بود ولی خدای عالم به او توفیق می‌دهد.

یک نکته دیگری را ما شاید بیش از سی تا چهل بار از ایشان شنیدیم که می‌گفت در روز عاشورا، «عمر سعد» به یکی از غلام‌هایش شمشیری داد گفت: برو کار امام حسین را در گودال قتلگاه تمام کن، غلام شمشیر را گرفت طرف امام حسین آمد، امام حسین یک نگاهی به او کرد فرمود: جوان!

«أمثلک ترید أن یقتل مثلی!»

حالا این که نگاه امام حسین چه بود این جوان ۱۸۰ درجه عوض شد. با آن شمشیری که آمده بود امام حسین را بکشد، برگشت با سپاهیان عمر سعد جنگید و آخرین شهید کربلا قبل از امام حسین شد.

یا آن قضیه‌ای که بارها در شرح حال امام راحل نقل کردند که آقای اشراقی داماد حضرت امام - که در دور شهر همسایه ما بود - می‌گفت ما در جماران با امام قدم می‌زدیم امام به من گفت: آقای اشراقی اگر یک رسول امین از طرف خدای عالم بیاید به تو بگوید خدای عالم می‌گوید یک حاجت بر آورده شده و یک دعای مستجاب نزد من داری چه حاجتی از خدا می‌خواهی؟ آقای اشراقی می‌گوید من خیلی فکر کردم که چه بگویم، برگشتم گفتم آقا اگر چنین اتفاقی برای شما بیفتد از خدا چه می‌خواهی؟ امام بدون تأمل گفت از خدای عالم عاقبت بخیری می‌خواهم.

می‌گویند جوجه را آخر پایز می‌شمارند! یکی از اعظم برای من از آیت الله العظمی گلپایگانی نقل می‌کرد می‌گفت ما یک هم مباحثه‌ای داشتیم خیلی تلاش می‌کرد که به جایی برسد ولی به هیچ جا نرسید. وقتی مردم مقلد ما شدند ایشان خیلی ناراحت بود! بارها هم به من می‌گفت که آقای گلپایگانی تو به یک جایی رسیدی و من به هیچ جایی نرسیدم باهم هم درس بودیم.

می‌گفت یک حالت بغضی از خدای عالم در دلش بود که چرا خدای عالم من را (به مرجعیت) نرساند ولی ایشان (آیت الله گلپایگانی) رسید. این را از خود آقای گلپایگانی نقل می‌کرد و می‌گفت ما به عیادتش رفته بودیم و آخرین لحظات عمرش بود می‌گفت هرچه تلقین کردیم لا اله الا الله بگوید به زبانش نیامد! گفت آن چنان از تقدیر الهی ناراحت و غضبناک بود که چرا خدای عالم او را به این مقام نرسانده است.

می گفتند آقای بروجردی آخر عمر خیلی گریه می کرد. گفتند آقا چرا گریه می کنید؟ گفت خیلی از قیامت می ترسم آخر عمری صراف شدیم! پول از یکی می گیریم به دیگری می دهیم کارمان صرافی شده است! گفتند اقا شما این همه زحمات و درس و بحث و مسجد و خدمت به اسلام دارید آقای بروجردی روی این روایت خیلی تکیه داشت

«اخْلَصِ الْعَمَلَ فَإِنَّ النَّاقِدَةَ بَصِيرٌ بِصِيرٍ»

المجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۳، ص ۴۳۲، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

اهانت به مقدسات شیعه، مثل اهانت به مقدسات اهل سنت، حرام است!

بدبختی ما این است که همیشه باطل در مسیر باطلش قوی بوده. این تعبیر حضرت امیر (سلام الله علیه) است که اهل باطل همیشه در مسیر باطلشان قوی، محکم و پشتکار دارند ولی اهل حق در مسیر حق مثل آن‌ها پشتکار ندارند.

اگر در یک جایی کوچک‌ترین اهانتی به مقدسات اهل سنت می شود بلا فاصله داد و فریاد سر می دهند و اعلام جرم می کنند و می گویند باید محاکمه بشود. البته ما اهانت به مقدسات اهل سنت را خلاف شرع بین می دانیم منت هم به سر اهل سنت نمی گذاریم خود قرآن دارد:

(وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ)

سوره انعام (۶): آیه ۱۰۸

حتی شما به بت پرستان حق فحش دادن ندارید.

امام صادق (علیه السلام) درباره کسی که گفتند در مسجد نشسته و:

«يَسِبُّ أَعْدَائِكُمْ وَيَسْمِيهِمْ»

حضرت می فرماید:

«ما له، لعنه الله، تعرّض بنا. قال الله- تعالى:- وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ»

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، الاعتقادات في دين الإمامية، ص ۱۰۷، تحقيق: عصام عبد

السيد، ناشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، چاپ: الثانية ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳ م

دوستان اعتقادات شيخ صدوق صفحه ۱۰۷ را ببینند و در بحار الانوار هم دارد:

«أَنَّ قَيْلَ لَهُ إِنَّا نَرَى فِي الْمَسْجِدِ رَجُلًا يُغْلِنُ بِسَبِّ أَعْدَائِكُمْ وَ يَسُبُّهُمْ فَقَالَ مَا لَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ تَعَرَّضَ بِنَا»

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)، دار إحياء التراث العربي -

بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق. ج ۷۱؛ ص ۲۱۷

بعد آیه ۱۰۸ سوره انعام را خواند

(وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ)

در آن هیچ شکی نیست؛ ولی اگر یک مداح یا یک ورزشکاری کوچکترین اهانتی می کند داد و فریاد همه در می آید، فریادشان

گوش کزویبان را کر می کند! ولی اگر نسبت به مقدسات شیعه اهانت و جسارت می شود، آبی از آب تکان نمی خورد! و اینها

در شبکه هایشان و در سخنرانی هایشان و در نمازهای جمعه شان مرتب نسبت به آقا ابوطالب (سلام الله علیه) اهانت می کنند

می گویند ایشان کافر است و در آتش جهنم است!

کسی آمد نسبت به امیرالمؤمنین عرض کرد یا ابا الحسن می گویند پدر شما در آتش است؛ حضرت فرمود: دهند بشکنند،

پدر من در آتش است! و حال آن که أنا «قسيم الجنة والنار» هستم!؟

شما ببینید اینها این مطلب را در کتابهای صحیح شان آوردند. «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» با کمال وقاحت اهانت

به ابوطالب و اهانت به عبدالله پدر پیغمبر و اهانت به مادر بزرگوار رسول اکرم دارند می گویند اینها همه اهل آتش هستند و

در جهنم هستند!!

البته این روایات توسط شجره ملعونه‌ی در قرآن یعنی بنی امیه ساخته شده است. ما معتقدیم این‌ها هیچ ریشه و اصلی ندارد ولی از بچه شیعه‌ها انتظار داریم در این طور مواردی که نسبت به مقدسات شیعه یا مقدسات اسلامی ما مثل مادر بزرگوار رسول اکرم و پدر بزرگوارشان و... مورد اهانت قرار می‌گیرد این‌ها هم تحرکاتی داشته باشند اگر بنا است اعلام جرم بشود این کار بشود.

مراجع ما همه‌شان بالاتفاق فرمودند که اهانت به مقدسات اهل سنت حرام است. همان‌گونه‌ای که اهانت به مقدسات شیعه حرام است. ولی ظاهراً در داخل کشور ما این اتوبان فقط یک طرفه است! و طرف دیگری ندارد! اگر اهانت به آن‌ها صورت بگیرد سر و صدا و فریاد بلند است ولی وقتی اهانت به مقدسات شیعه ولو از بالاترین مقام سیاسی کشور هم باشد، هیچ تحرکی صورت نمی‌گیرد، حتی اگر عصمت ائمه زیر سوال برود کسی گویا تکان نمی‌خورد!

امیدواریم که این قضایا بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته